



## Managerial and Legal Pathologies of Workers of the Islamic Government in the Quranic Thoughts of Imam Khamenei\*

Murtaza Fadaei Esfahani\*

Maziyyah Sadat Abul-Masom\*

### Abstract

The present research investigates the “pitfalls and afflictions of workers of the Islamic government in the managerial and legal dimensions within the Quranic perspectives of the esteemed leadership of Imam Khamenei.” This research was conducted using a descriptive-analytical method, gathering information through documentary and library research, as well as referring to the repository for preserving and disseminating the works of His Eminence Ayatollah Khamenei. Through the conducted analyses, it became evident that, from the viewpoint of the esteemed leadership, issues such as “weak management,” “deviation from rights,” “betrayal,” “disregarding divine boundaries,” “forgetting the deprived and vulnerable people,” “law-breaking,” and “monopolistic tendencies (especially elitism)” are among the most significant pitfalls and afflictions that an workers of the Islamic government might encounter in the managerial and legal realms. Each of these factors can potentially render the Islamic system vulnerable. One of the key findings of this research is the identification of the expectations and demands of the esteemed leadership from officials and agents of the system, substantiated by verses from the Holy Quran and narrations of the Infallibles.

Keywords: Governance Pathology, Quranic Thoughts, Workers, Esteemed Leadership, Islamic Manager, Islamic Government.

---

\*. Date of Receipt: ۳۱/۰/۱۴۰۲ SH (May ۳۱, ۲۰۲۳ CE) & Date of Acceptance: ۰/۹/۱۴۰۲ SH (September ۰, ۲۰۲۳ CE)

\*. Assistant Professor in the Department of Quran and Hadith, Al-Mustafa International University, Isfahan Campus, Isfahan, Iran (Corresponding Author) - Email: fadaei@miu.ac.ir

\*. Master's Degree in Interpretation and Quranic Sciences, Fatima Zahra Higher Education Institute, Isfahan, Iran - Email: abwalmswmyrnyhalsadat@gmail.com



## آسیب‌شناسی مدیریتی و حقوقی کارگزاران نظام اسلامی در اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای\*

مرتضی فدایی اصفهانی\* مرضیه سادات ابوالمعصوم\*

### چکیده

موضوع تحقیق حاضر "آسیب‌ها و آفت‌های کارگزاران نظام اسلامی در اندیشه‌های قرآنی مقام معظم رهبری در بعد مدیریتی و حقوقی" می‌باشد تحقیق پیش رو به روش توصیفی تحلیلی انجام گرفت و به شیوه اسنادی کتابخانه‌ای و نیز مراجعه به پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت اله العظمی خامنه‌ای، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری گردید. در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد؛ از دیدگاه مقام معظم رهبری مواردی همچون؛ "ضعف مدیریت"، "انحراف از حق"، "خیانت"، "زیر پا گذاشتن حدود الهی"، "فراموش کردن محرومان و مستضعفان"، "قانون شکنی" و "انحصارطلبی (ویژه‌خواری)" از مهم‌ترین آسیب‌ها و آفتی است که ممکن است یک کارگزار نظام اسلامی در بعد مدیریتی و حقوقی، به آن مبتلا گردد و هر کدام از این موارد می‌تواند موجب آسیب‌پذیری نظام اسلامی گردد. از جمله یافته‌های تحقیق حاضر آن است که مشخص گردید مطالبات و انتظارات مقام معظم رهبری از مسئولان و کارگزاران نظام مستند به آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام می‌باشد. واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی حکومت، اندیشه‌های قرآنی، کارگزاران، مقام معظم رهبری، مدیر اسلامی، نظام اسلامی.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۳۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۹/۵

\* استادیار گروه قرآن و حدیث، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه واحد اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسؤول)  
fadaei@miu.ac.ir

\* کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآنی، مؤسسه آموزش عالی فاطمه الزهرا سلام الله علیها، اصفهان، ایران  
abwalmswmyrnyhalsadat@gmail.com



## مقدمه:

هر مسئول و کارگزار به جهت تحقق اهداف مقدس نظام اسلامی، علاوه بر شناخت حیطه وظایف خود و دارا بودن ویژگی‌های لازم برای انجام آن مسئولیت، به دلیل نقش و جایگاه خطیری که در اجتماع دارد، باید از آسیب‌ها و آفاتی که او را در زمینه انجام رسالتش، تهدید می‌کند، آگاه باشد، چرا که در برخی موارد اگر کارگزاری حتی به یکی از آفاتی - که خواهد آمد،- گرفتار شود، به سبب آن، خودش و چه بسا دیگران، سقوط کنند و از اهداف مقدسی که سعادت فرد و اجتماع را رقم می‌زند فاصله بگیرد. آگاهی از این آسیب‌ها و آفات، حکم پیشگیری و نیز درمان برای سلامت بدنه یک نظام را دارد؛ از همین رو مقام معظم رهبری مکرر در بیانات خود، به این آسیب‌ها و آفاتی که ممکن است یک کارگزار نظام اسلامی دچار آن گردد اشاره کرده‌اند؛ آفاتی که در آیات و روایات نیز بدان‌ها توجه شده است، تا جامعه اسلامی به ویژه کارگزاران آن، مراقب خود و انجام مسئولیت خویش باشند و از انحراف و ناراستی دور گردند. برخی از مهم‌ترین آفات و آسیب‌های کارگزاران در کلام رهبری و استنادات قرآنی و روایی آن در این مقاله تبیین خواهد شد.

## مفهوم‌شناسی

### الف: کارگزار

کارگزار در لغت به معنای انجام دهنده کار، عامل و مأمور است. (معین، ۱۳۶۰، ش، ج ۲، ص ۱۲۹۹)، واژه‌هایی همچون؛ پیشکار، عامل، مأمور، مباشر، متولی، ناظر و وکیل، مترادف کارگزار می‌باشد، برخی مفهوم کارگزار را همان عاملی می‌دانند که در درون سیستم حاکمیت به ایفای نقش می‌پردازد و جزئی از مجموعه کاری و خدماتی حاکمیت را به خدمت می‌گیرد و کارگزار حکومتی را، اعم از رده‌های بالای تشکیلات و افراد پس از آن تا پایین‌ترین درجه و مرتبه تشکیلات حاکمیت معرفی می‌کنند که در هریک از ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی،



خدماتی و ... به ایفای وظیفه و انجام امور مبادرت می‌ورزد. (نوائی، ۱۳۸۲ ش، ش ۴۳ و ۴۴، صص ۸۷-۱۱۱)

بدین صورت، می‌توانیم کارگزار را این‌گونه تعریف کنیم:

«کارگزار در نظام حکومتی و حاکمیتی، عامل و یا مأموری در درون نظام است که در حیطه کاری خاص خود به ایفای نقش و انجام وظایف خود مشغول و درصدد تحقق آن‌ها می‌باشد». روشن است که کارگزاران در هر نظام سیاسی بسته به مبانی فکری و نظری حاکم بر آن، دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی هستند. همان‌طور که در نظام اسلامی برای کارگزار اوصافی همچون شایستگی و لیاقت، امانت‌داری، مسئولیت‌شناسی در قبال مردم، ساده‌زیستی، قانون‌مداری و... را برشمرده‌اند.

### ب: نظام اسلامی

"نظام اسلامی، نظامی است که قصد اجرای کامل تمام احکام و موازین اسلامی را دارد این نظام مایه سعادت انسان و سربلندی ملت و کشور و مایه آبادی روی زمین و کشور و منطقه زیست و مایه شادی محیط زندگی و نیز استحکام خانواده و اصلاح روابط اجتماعی میان مردم و خلاصه مایه خوشبختی زندگی مادی و معنوی انسان‌هاست."

(بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم و جمعی از پرستاران و مددکاران به مناسبت میلاد

حضرت زینب (علیها السلام) (۱۵/۰۹/۱۳۶۸، ۲۲۵۹T، <https://khl.ink/f/>)

اطلاق واژه نظام در این رابطه تأکید بر آن دارد که اجزای تشکیل‌دهنده به یکدیگر پیوسته بوده، تغییر در یک جزم سبب تغییراتی در سایر اجزا می‌شود. (رحیق غصان، ۱۳۸۴ ش، صص ۳۰۰) حکومت دینی، حکومتی است که شبکه روابط اجتماعی اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اخلاقی آن بر اساس دین و آموزه‌های آن تنظیم شده باشد. (واعظی، ۱۳۷۷ ش، صص ۸۸-۹۰)

### پیشینه تحقیق

در ارتباط با توصیه‌ها و بیانات مقام معظم رهبری به کارگزاران و مسئولان نظام تحقیقاتی انجام شده است، اعم از مقاله، نرم‌افزار و...؛ می‌توان از کتاب «معیارهای گزینش کارگزاران



حکومتی در نظام اسلامی (از منظر قرآن کریم، ائمه اطهار و مقام معظم رهبری)» از «سید مهدی حسین پاک‌سرشت» منتشرشده در سال ۱۴۰۰ هـ. ش و کتاب «اخلاق کارگزاران در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله‌العالی) از «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات» انتشار در سال ۱۳۸۰ هـ. ش نام برد که این بیانات بیشتر حاوی پیام‌ها و رهنمودهای اخلاقی، رفتاری و شیوه کارگزاری است. در پیشگفتار بیانات ایشان پیرامون اهداف نظام درج شده است. همچنین کتاب «راه روشن مدیران» که مجموعه بیاناتی است که مقام معظم رهبری در شرح بخش‌هایی از نهج البلاغه در دیدارهای خود با هیأت دولت در ماه مبارک رمضان، از سال ۱۳۷۲ هـ. ش تا ۱۳۹۵ هـ. ش داشته‌اند.

از آنجا که در زمینه توصیه‌ها و بیانات ایشان نسبت به آسیب‌ها و آفاتی که ممکن است یک کارگزار نظام اسلامی در بعد مدیریتی و حقوقی، به آن مبتلا گردد، تحقیق مستقلی که ضمن بررسی آن آسیب‌ها به یافتن مستندات قرآنی و روایی آن هم پرداخته باشد یافت نگردید تحقیق حاضر این رسالت را بر عهده گرفته است.

## آسیب‌ها و آفتهای کارگزاران نظام اسلامی

### الف: ضعف مدیریت

ضعف مدیریت یکی دیگر از آسیب‌ها و آفتهای کارگزاران نظام اسلامی از بعد مدیریتی و حقوقی است. یکی از راه‌های آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی و اجتماعی ضعف مدیریت زمامداران و کارگزاران حکومتی و ناتوانی آن‌ها در اداره امور جاری کشور است. در طول تاریخ هر زمان افراد ضعیف و سست‌عنصر رهبری جوامع یا مسئولیت بخشی از حکومت را به عهده گرفته‌اند، خسارات فراوانی بر دولت، ملت و نظام سیاسی وارد کرده‌اند.

مقام معظم رهبری در زمینه وجود برخی کاستی‌ها در جمهوری اسلامی در بیاناتی

فرموده‌اند:



"خدماتی که نظام اسلامی و جمهوری اسلامی به ایران و ملت ایران در این مدت کرده است، یک خدمات برجسته و فوق‌العاده است. اگر وضع ملت را و وضع کشور را مقایسه کنیم با قبل از دوران اسلامی یعنی در دوران طاغوت، آن وقت معلوم می‌شود که چه خدمات بزرگ و ارزشمندی را نظام اسلامی تقدیم کرده است. بله، ضعف‌هایی وجود دارد؛ این ضعف‌ها مربوط به مدیریت ماها است، این مربوط به کمبودها و ناتوانی‌های مدیرانی است که در بخش‌های مختلف مشغول کار بوده‌اند؛ اما نظام اسلامی توانایی‌هایی را در خود پرورش داده و مدیرانی را تربیت کرده است که توانسته‌اند کارهای بسیار بزرگی را در طول این سی و چند سال برای کشور انجام بدهند؛ آن هم درحالی که در این سی و چند سال، ملت از همه طرف در فشار تحریم و فشار اقتصادی دشمنان بوده است." (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی).

(<https://khl.in/f/۳۶۰۸۰،۱/۰۱/۱۳۹۶>)

صفت "مُدبِّر (تدبیرکننده)"، اسم فاعل از «دَبَّرَ، يَدَبِّرُ» است. ریشه «دبر»، به معنای انتهای چیزی و پشت آن است، در مقابل جلوی آن. تدبیر هم، یعنی این که انسان، کارش را ساماندهی و مدیریت کند، به این صورت که به فرجام و انتهای آن کار، یعنی آثاری که پشت سر آن کار رخ می‌دهد، توجه کند.

"تَدَبَّرَ الْأَمْرَ" یعنی به عواقب آن نظر کرد و در آن فکر نمود و تأمل کرد. (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۲۷) تدبیر، در قرآن کریم به صورت فعلی "يَدَبِّرُ الْأَمْرَ؛ کار را تدبیر می‌کند"، چهار بار به خدا نسبت داده شده است؛ (یونس (۱۰)، آیات ۳ و ۳۱، رعد (۱۳)، آیه ۲، سجده (۳۲)، آیه ۵) اما صفت «مُدبِّر»، در قرآن نیامده است.

در قرآن و احادیث، تدبیر آسمان‌ها و زمین و دنیا و آخرت، و به طور کلی همه چیز، با خداست. این مطلب، بیانگر آن است که خداوند، مصلحت و عاقبت همه چیز را در آفرینش و اداره آن‌ها رعایت کرده است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ ش، ج ۷، ص، ۱۵۶)

در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود «مَا أَخَافُ عَلَىٰ أُمَّتِي الْفَقْرَ، وَلَكِنْ أَخَافُ عَلَيْهِمْ سُوءَ التَّدْبِيرِ؛ من بر ائمتم از فقر نمی‌ترسم؛ بلکه از بی‌تدبیری (سوء مدیریت) می‌ترسم. (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ ق، ج ۴، ص ۳۹، ح ۱۳۴) در برخی از آیات قرآن با تعبیر "بلوغ اشد"،



اشاره به مرحله‌ای نموده که برخی از انسان‌های شایسته، برای اعطای منصب رسالت الهی و مدیریت و رهبری جامعه آمادگی پیدا می‌نمودند، چنان‌که قرآن در باره موسی علیه‌السلام می‌فرماید: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (قصص (۱۸)، آیه ۱۴) و چون به رشد و کمال خویش رسید، به او حکمت و دانش عطا کردیم، و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم.

یا در باره یوسف علیه‌السلام می‌فرماید:

«وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (یوسف/۱۲ و ۲۲)؛ و چون به

حد رشد رسید، او را حکمت و دانش عطا کردیم، و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. از نگاه قرآن و احادیث اسلامی، شایسته‌سالاری و مدیریت انسان‌های توانمند و لایق، هشیاری دولت‌مردان، وحدت کلمه، عدالت اجتماعی و رعایت حقوق متقابل حکومت و مردم، برجسته‌ترین عوامل پیشرفت جامعه‌اند. در واقع، این امور، قوانین تکوینی نظام آفرینش و سنت‌های الهی برای رسیدن به تمدن برتر هستند.

در مقابل، مدیریت و رهبری انسان‌های ناشایسته، ناآگاهی دولت‌مردان، اختلاف، ظلم، فساد، اتراف، اسراف، انحصارطلبی، اهمیت ندادن به حقوق مردم و بخصوص مستمندان، تبعیض در اجرای قانون، کم‌فروشی، ترك امر به معروف و نهی از منکر، املا و استبدراج، برجسته‌ترین عوامل انحطاط و عقب‌ماندگی اجتماعی و سقوط و نابودی تمدن‌ها شمرده شده‌اند. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۱ ش، ج ۳، ص ۱۹)

امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) از مدیران صالح و شایسته استفاده می‌نمود هرچند که ممکن بود این افراد در مدیریت خویش ضعف داشته باشند، اما حضرت هیچ‌گاه آن ضعف‌ها را نادیده نمی‌گرفت؛ حضرت در ضمن نامه‌ای به «کمیل» والی «هیت»، ضعف مدیریت «کمیل بن زیاد نخعی» را نکوهیده است:

«ای کمیل! سستی انسان در انجام دادن کارهایی که بر عهده اوست و پافشاری در کاری خارج از مسئولیتش نشانه ناتوانی آشکار و اندیشه‌ای ویرانگر است... ای کمیل! تو در آن سامان پلی شده‌ای تا دشمنان از آن بگذرند و بر دوستانت هجوم آورند؛ زیرا نه قدرتی داری که با آنان



نبرد کنی و نه هیبتی داری که از تو حساب برند و بگریزند، نه مرزی را حفظ می‌کنی و نه می‌توانی شوکت دشمن را در هم بکوبی، نه نیازهای مردمت را برطرف می‌کنی، و نه امامت را راضی نگه می‌داری». (الشریف الرضی، بی‌تا، نامه ۶۱)

از آن جا که گزینش مدیران کارآمد و دلسوز مد نظر امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) بود، زمانی که مشاهده فرمود محمد بن ابی بکر در اداره شهر مصر ناتوان می‌باشد، مردی لایق و کارآزموده و مدیری مدبر همچون مالک اشتر را به ولایت آن سامان گماشت و از محمد بن ابی بکر که از این موضوع ناراحت شده بود، دلجویی نمود. و حضرت بعد از شهادت محمد بن ابی بکر چنین فرمود:

«من قصد داشتم «هاشم بن عتبّه» را والی آنجا قرار دهم که اگر او والی می‌شد، عمر و عاص نمی‌توانست دروازه‌های مصر را بگشاید، در عین این که هیچ مذمت و سرزنشی متوجه محمد بن ابی بکر نمی‌باشد». (الشریف الرضی، بی‌تا، خطبه ۶۸؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ ش، ج ۶، ص ۵۳ و ۵۶)

حضرت در نامه‌ای به محمد بن ابی بکر نیز چنین نوشت: «اگر تو را از فرمانداری مصر عزل کردم، در عوض فرماندار جایی کردم که اداره‌اش بر تو آسان‌تر و حکومت تو در آن سامان خوشتر است». (الشریف الرضی، بی‌تا، نامه ۳۴)

مدیر توانمند و قوی می‌تواند به مردم پاسخگو باشد و اگر عاملان، کارگزاران، معاونان و مجریان در انجام اموری در مانده شدند، خود مدیران می‌بایست توانایی به سرانجام رساندن کارها و امور را داشته باشد. امیر بیان علی (علیه‌السلام) به مالک اشتر فرمان می‌دهد: «... در آن جا که معاونان تو از پاسخ دادن به مشکلات کارگزاران در مانده‌اند خود اقدام نما». (همان، نامه ۵۳ و ۱۱۴)

یکی از عرصه‌هایی که انسان‌ها به ویژه مدیران و کارگزاران، خود را در آن بدون خطا می‌شمرند، چگونگی تدبیر کارهاست. کسی نیست که خود را در مدیریت کارهایی که به او واگذار شده، خطاکار ببیند؛ بلکه جازم است که خود، بهترین مدیر و مدیریتش، بهترین مدیریت است. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۷۴) لذا یکی از آسیب‌های





کارگزاران ضعف در مدیریت و تدبیر امور است و بدتر از آن عدم کناره‌گیری از مدیریت و عدم قبول ضعف خویش در تدبیر امور می‌باشد.

### ب: انحراف از حق

یکی دیگر از آسیب‌ها و آفت‌های کارگزاران نظام اسلامی از بعد مدیریتی و حقوقی، انحراف از حق است. ضعف ایمان و شهوت از جمله عوامل سوق‌دهنده یک کارگزار به سمت انحراف از حق است.

مقام معظم رهبری در مورد اثر انحراف مسئولان و حاکمان می‌فرمایند:

"مسیر دین آن‌وقتی تغییر پیدا می‌کند که آن نقطه اصلی، آن هسته اصلی تغییر پیدا کند؛ یعنی هسته قدرت، هسته مدیریت، هسته ریاست؛ اگر تغییر پیدا کند، همه چیز تغییر می‌کند." (

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر، ۳۰/۰۶/۱۳۹۵، <https://khl.ink/f/۳۴۴۲۹>)

[khl.ink/f/۳۴۴۲۹](https://khl.ink/f/۳۴۴۲۹)

رهبر انقلاب یکی از انحرافات از حق را در مورد کوتاه آمدن قوه قضاییه به خاطر وابستگی مجرم به یک مجموعه سیاسی چنین بیان می‌کنند و در ضمن آن به آیاتی هم استناد می‌کنند:

"قوانین باید طبق مقررات اسلامی تنظیم و آماده شود و با جرم به هر شکلی مقابله گردد.

این غلط است که اگر مجرم به یک مجموعه سیاسی وابسته باشد، باید در مقابل او کوتاه آمد؛

آن هم با این دلیل غیر محکمه‌پسند که اگر مجرمیت او مورد تأکید قوه قضاییه قرار گیرد،

جنجال خواهد شد! قرآن کریم می‌فرماید «وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ» (سوره نور/

۴۹).؛ اگر قضاوتی که می‌شود، برخلاف مصلحت آن‌ها باشد، جنجال می‌کنند؛ اما اگر بر طبق

میل و نظر آن‌ها باشد، آن وقت آن را می‌پذیرند. بعد می‌فرماید: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ». (همان/ ۵۰)

این قضاوت قرآن است." (بیانات در دیدار با خانواده‌های شهدای هفتم تیر و مسئولان قوه

قضاییه ۰۷/۰۴/۱۳۹۷، <https://khl.ink/f/۳۰۱۵>)



در بیانات دیگری که در زمینه انحراف از حق و ریشه‌های آن در دیدارهای مختلف از جمله دیدار با مسئولان نظام، به آیات و روایات اشاره کرده‌اند - از همین رو دیگر به صورت مجزا آیات و روایات مرتبط آورده نمی‌شود. معظم له می‌فرماید:

"گمان مصونیت از انحراف را مطلقاً در خودمان نباید راه بدهیم؛ یعنی هیچ‌کس نباید بگوید وضع ما که روشن است و مثلاً در خط صحیح و در خط دین و خدا داریم حرکت می‌کنیم و منحرف نمی‌شویم؛ نه، چنین چیزی نیست. امکان لغزش و انحراف از خط مستقیم برای همه هست و همه هم وسیله اجتناب از این انحراف را دارند؛ یعنی این طور نیست که یک سرنوشت قطعی و حتمی وجود داشته باشد تا ما بگوییم هر کس در این راه حرکت می‌کند، ناگزیر باید لغزش پیدا کند؛ نه، انسان می‌تواند بدون لغزش و انحراف راه را ادامه دهد. اما مصونیت از انحراف هم تضمینی نیست که انسان بگوید ما که دیگر منحرف نمی‌شویم؛ بنابراین خاطر جمع سر را روی بالش نرمی بگذارد و از حال خودش غافل شود. هیچ‌کدام از این دو طرف قضیه نباید مورد بی‌توجهی قرار بگیرد... اگر از خود مراقبت نکنیم، یا از ناحیه سستی و ضعف در پایه‌ها و مبانی عقیدتی انحراف به انسان روی می‌آورد، یا از ناحیه شهوات به انسان روی می‌آورد. حتی کسانی که پایه‌ها و مبانی اعتقادی آن‌ها محکم است، شهوات نفسانی بر نگاه و بینش عقلی درست و عمیق نسبت به خط و راه و هدف غلبه می‌یابد و انسان را منحرف می‌کند؛ که ما مواردش را دیدیم. در این خصوص چند آیه در قرآن هست، اما این آیه که در مورد قضیه اُحد است، خیلی انسان را تکان می‌دهد. می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجُمُعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا» (سوره آل عمران/۱۵۵)؛ یعنی کسانی که در ماجرای اُحد دچار آن لغزش خسارت‌بار شدند و از میدان جنگ رو برگرداندند و این همه خسارت بر نیروی نورسته اسلام و حکومت اسلامی وارد شد، علتش «بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا» بود؛ کارهایی بود که قبلاً سر خود آورده بودند. دل دادن به شهوات و هواهای نفسانی اثرش را این طور جاها ظاهر می‌کند."

ایشان در ادامه فرمودند:



"آیه شریفه دیگر می‌فرماید: به این‌ها گفته شد انفاق کنید، ولی به تعهد خود عمل نکردند؛ لذا نفاق بر قلب آن‌ها مسلط شد؛ «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ» (سوره توبه/۷۷)؛ یعنی وقتی انسان نسبت به تعهدی که با خدای خود دارد، بی‌توجهی نشان داد و خلف وعده کرد، نفاق بر قلب او مسلط می‌شود. بنابراین اگر ما بی‌توجهی کنیم و تن به شهوات و هوی‌ها بسپاریم، ایمان مغلوب و عقل مغلوب می‌شود و هوی و هوس غالب؛ باز هم همان انحرافی که از آن می‌ترسیدیم، ممکن است پیش بیاید. بنابراین در همه حالات انسان باید این گمان را داشته باشد که ممکن است لغزش پیدا کند. هیچ‌کس خودش را از این خطر دور نداند. یک نمونه این قضیه «بلعم باعورا» است؛ «وَ أَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا» (سوره اعراف / ۱۷۵). " (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای

هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷، <https://khl.ink/f/۷۵>)

ایشان در ادامه به فرازهایی از نامه امیر بیان به مالک اشتر که در مورد رابطه میانه‌روی و حق است، اشاره می‌کنند و می‌فرماید:

"وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ، وَأَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ، وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَةِ". (الشریف الرضی، بی‌تا، نامه ۵۳) فهرست کارهایی که انسان باید انجام دهد، یک چیز طولانی است و به همه این‌ها هم نمی‌رسد. حضرت می‌فرماید: محبوب‌ترین کاری که می‌خواهی انتخاب کنی، اولاً «أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ» یعنی وسط‌تر باشد. وسط، یعنی میانه افراط و تفریط؛ نه در آن افراط وجود داشته باشد، نه تفریط. حق هم درست همین است؛ هیچ‌گاه نه در جهت افراط است، نه در جهت تفریط. «أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ» یعنی به طور کامل در آن رعایت حق بشود؛ یعنی دقیقاً در حد وسط بین افراط و تفریط باشد. ثانیاً «وَأَعْمَهَا فِي الْعَدْلِ» باشد؛ عدالتی که از آن ناشی می‌شود، سطح وسیع‌تری از مردم را فرا بگیرد. گاهی ممکن است کاری عادلانه باشد؛ اما کسانی که از این عدل سود می‌برند، جماعت محدودی باشند. ممکن است کاری ظلم هم نباشد، کار عادلانه و درستی هم باشد؛ اما دایره این کار، محدود باشد. یک وقت نه، انسان دایره وسیعی از کار را مورد اهتمام خودش قرار می‌دهد و جماعت کثیری از آن استفاده می‌کنند. حضرت می‌فرماید این کار پیش تو محبوب‌تر باشد. محبوب‌تر بودن هم طبعاً معنایش



این است که اگر امر دایر شد بین این کار و یک کار دیگر، این را انتخاب کنی؛ یعنی همان اولویت‌ها و تقدم‌هایی که ما همیشه می‌گوییم رعایت کنید. این، یکی از ملاک‌های اولویت‌هاست... البته این که گفتیم «أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ»، من این نکته را هم تذکر بدهم. پیدا کردن حد وسط با توجه به پیچیدگی‌های مسائل اقتصادی و اجتماعی امروز کار ظریفی است. هنر شما به عنوان وزیر و مدیر این است که بتوانید با ظرافت این کار را انجام دهید، که هم آنچه را که «اعم للعدل» و «اشمل للرضا العامة» و «اوسط الى الحق» است، تأمین شود؛ هم با محاسبات صحیحی که امروز با توجه به پیچیدگی مناسبات اجتماعی و اقتصادی بر انسان تحمیل می‌شود، منافاتی پیدا نکنند. این ظرافت را حتماً رعایت کنید." (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۷/۰۷/۱۳۸۴، <https://khl.ink/f/۷۵>)

باز در این زمینه با استناد به کلمات حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرمایند:

"امیرالمؤمنین این توصیه‌ها را برای فرمانداران و استانداران خود می‌فرمودند؛ اما برای قاضی یک شهر و مسئول یک بخش و مدیر گوشه‌ای از گوشه‌های این دستگاه عریض و طویل هم صادق بود - می‌فرمایند: «فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيَ الْهُوَى عَنْ نَفْسِهِ»؛ (الشریف الرضی، بی‌تا، خطبه ۸۷) اولین قدم او در راه عدالت این است که هوی و هوس را از خودش دور کند. «يَصِفُ الْحَقَّ وَ يَعْمَلُ بِهِ»؛ (همان) حق را بر زبان جاری و توصیف کند و نیز به آن عمل نماید. به همین خاطر است که در اسلام، قدرت با اخلاق پیوسته است و قدرت عاری از اخلاق، یک قدرت ظالمانه و غاصبانه است. روش‌هایی که برای کسب قدرت و حفظ آن به کار گرفته می‌شود، باید روش‌های اخلاقی باشد. در اسلام، کسب قدرت به هر قیمتی، وجود ندارد. این طور نیست که کسی یا جمعی حق داشته باشند به هر روش و وسیله‌ای متشبث شوند، برای این که قدرت را به دست آورند - همان‌گونه که امروز در بسیاری از مناطق دنیا رایج است - نه قدرتی که از این راه به دست آید و یا حفظ شود، قدرت نامشروع و ظالمانه است." (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۲۶/۱۲/۱۳۷۹، ۳۰۵۷، <https://khl.ink/f/۳۰۵۷>)



## ج: خیانت

از دیگر آسیب‌ها و آفت‌های کارگزاران نظام اسلامی از بعد مدیریتی و حقوقی، خیانت است که بدترین نوع آن به شما می‌رود. خیانت باعث نفوذ دشمن در امت اسلامی خواهد شد و ضربه‌های جبران‌ناپذیری به پیکره نظام اسلامی خواهد زد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مصادیق مختلفی برای خیانت مسئولان در هر رتبه‌ای بر می‌شمرند، از جمله در مورد نقش اساتید فرموده‌اند:

"مهاجر فرستی و این‌که عناصری در بعضی دانشگاه‌ها، جوان نخبه را از آینده مأیوس، و او را به ترک میهن تشویق می‌کنند، صریحاً خیانت به کشور و دشمنی با آن است و دوستی با آن جوان هم نیست." (بیانات رهبر انقلاب در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی،

<https://khl.ink/f/۴۹۰۱۱،۲۶/۰۸/۱۴۰۰>)

مصدق دیگر خیانت را، اختلاف‌افکنی میان مردم در انتخابات، می‌شمرند:

"از امروز تا روز انتخابات، هرکسی که بخواهد اختلاف‌ها را به میان مردم بکشانند و از احساسات آن‌ها در جهت اختلافات استفاده کند، قطعاً به کشور خیانت کرده است." (دیدار

جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان با رهبر انقلاب، ۱۰/۰۸/۱۳۹۱، <https://khl.ink/f/۲۱۳۹۴>)

[khl.ink/f/۲۱۳۹۴](https://khl.ink/f/۲۱۳۹۴)

رعایت نکردن حق رأی مردم مصداق دیگر از خیانت افراد در کلام رهبری است:

"رأی مردم هم به معنای واقعی کلمه حقّ النَّاس است؛ حقّ النَّاس است. وقتی می‌آید برادر و خواهر ایرانی در انتخابات شرکت می‌کند و رأی در صندوق می‌اندازد، رعایت این حقّ او واجب شرعی است، واجب اسلامی است؛ در این امانت او نباید خیانت کرد؛ واقعاً حقّ النَّاس است. نتیجه آراء هم هرچه شد، بایستی به آن ملتزم بود؛ این هم حقّ النَّاس است." (بیانات در دیدار

اقتشار مختلف مردم، ۱۸/۰۶/۱۳۹۴، <https://khl.ink/f/۳۰۷۱۶>)

مؤثرترین راه آسیب‌پذیری یک نظام، نفوذ پدیده شوم خیانت در سیستم کارگزاری و نظام اجرایی آن کشور می‌باشد. بر اساس حکم عقل و منطق، خیانت در هر شرایط و از هر کسی



ناپسند و غیر موجه می‌باشد، اما خیانت کارگزاران و زمامداران به نظام، مردم و رهبر بدترین نوع خیانت محسوب می‌گردد.

"خیانت" به معنای نقض امانت می‌باشد و "امانت" عبارت است از اینکه به وسیله عهد و یا وصیت و امثال آن، امنیت حقی از حقوق حفظ گردد. خداوند متعال در سوره انفال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (سوره انفال/ ۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او خیانت مکنید و [نیز] در امانت‌های خود خیانت نورزید و خود می‌دانید [که نباید خیانت کرد].

راغب اصفهانی خیانت را به معنای مخالفت نهانی با حقی از حقایق و شکستن پیمان آن دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۰۵)

علامه طباطبایی (ره) آورده است اینکه در آیه شریفه فرمود: «وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» و متعلق علم را بیان نکرد مراد علم به موضوع و اینکه این عمل خیانت است می‌باشد، نه آنچه که بعضی‌ها گفته‌اند که "منظور از آن، علم به مفاسد خیانت و سوء عاقبت آن و حکم خدا به حرمت آن است" برای اینکه نه ظاهر لفظ آیه و نه سیاق آن هیچ دلالتی بر این معانی ندارد.

و مجموع دو جمله «لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ» يك نهی واحدی می‌شود که به يك نوع خیانت تعلق گرفته است و آن خیانت امانت خدا و رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌باشد که خود همان خیانت به امانت خود مؤمنان هم می‌باشد، چون بعضی از امانت‌ها منحصرأ امانت خدا است در نزد مردم، مانند احکام مشروع خداوند متعال، و بعضی از آن‌ها منحصرأ امانت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌باشد، مانند سیره حسنه آن جناب، و بعضی از آن‌ها امانت خود مردم در میان خودشان است، همچون اماناتی که در اموال و اسرار خود به یکدیگر می‌سپارند، و بعضی از امانت‌ها آن امانتی است که خدا و رسول و خود مؤمنان در آن شریکند، و آن عبارت است از اموری که خداوند به آن‌ها امر می‌نماید، و رسول خدا امر آن جناب را اجرا می‌کند، و مردم از اجرای آن بهره‌برده و اجتماع ایشان نیرومند می‌گردد، مانند دستورات سیاسی و اوامر مربوط به جهاد و اسرار جنگی که اگر افشاء گردد آرزوهای دینی عقیم گشته و تلاش‌های



حکومت اسلامی بی نتیجه می ماند و قهرا حق خدا و رسول هم پایمال می گردد، و ضرر آن دامن گیر خود مؤمنان هم می شود.

پس خیانت در این نوع از امانت، در حقیقت خیانت به خداوند متعال و رسول خدا و مؤمنان است، و مؤمنی که به چنین خیانتی دست می زند علاوه بر اینکه می داند به خدا و رسول او خیانت کرده است، می داند که به خودش و سایر برادران ایمانی خویش هم خیانت نموده است، و هیچ عاقلی حاضر نیست، که به خیانت به خود اقدام نماید، چون عقل هر کس قبیح و زشتی خیانت را درک می کند، و با داشتن این موهبت الهی چگونه آدمی به خود خیانت می کند؟ (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۹، ص ۷۰)

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید:

«همانا بزرگترین خیانت، خیانت به مردم، و رسواترین دغل کاری، دغل بازی با رهبران و امامان است.» الشریف الرضی، بی تا، نامه ۲۶).؛ «به خدا سوگند! من می دانستم که مردم شام به زودی بر شما (کوفیان) پیروز خواهند شد؛ زیرا آنان... نسبت به رهبر خود امانت دار، و شما نسبت به امام خود خیانت کنید...، اگر من یک کاسه چوبی را به یکی از شما به رسم امانت بسپارم، می ترسم خیانت کنید و بند آن را بدزدید.» (همان، نامه ۲۵)

خیانت بسیاری از کارگزاران در تاریخ ثبت شده است. خیانت «ابولبابه» در افشای تصمیم پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد نبرد با بنی قریظه (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ص ۷)، خیانت «حاطب بن ابی بلتعنه» در رساندن خبر حمله قریب الوقوع پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مکه (ابن هشام، ۱۳۵۵ ش، ج ۴، ص ۱۴۰۴). و خیانت جریر بن عبدالله بجلی نمونه هایی از این موارد می باشد؛

«جریر بن عبدالله» به نمایندگی از طرف امیر مؤمنان علی (علیه السلام) برای ابلاغ پیام حضرت به معاویه و مذاکره با او و دعوت از وی به بیعت با امام رهسپار شام گردید، معاویه مقدم او را گرامی داشت و در پذیرایی از او و بخشش به وی از هیچ کوششی دریغ نکرد، نماینده حضرت کار را طولانی کرد و بیش از یک ماه در آنجا اقامت گزید و با چشمداشت به کیسه های زر و سیم معاویه در انجام وظیفه خویش خیانت نمود، گزارش خیانت و مدهانه و تساهل جریر به



حضرت رسید. او نزد امام بازگشت و با شنیدن تویبخت، از امام جدا شد. حضرت دستور داد طبق فرمان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خانه او را به آتش کشیدند. (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ص ۶۵۶۶).

امام با قاطعیت تمام با کارگزاران خائن برخورد می‌نمود. به عنوان نمونه ایشان در نامه‌ای شدیدالحن به «اشعث بن قیس» زمانی که در بیت‌المال خیانت کرده بود، چنین فرمود: «آنچه بر عهده توست ادا کن، وگرنه گردن تو را با شمشیر خواهم زد.» (الشریف الرضی، بی‌تا، نامه ۵)

«اشعث» در دوران زمامداری اش صد هزار درهم اندوخته بود. حضرت دستور داد تا آن را پس دهد. او گفت: این ثروت را در دوران حکومت شما به دست نیاورده‌ام. حضرت فرمود: «به خدا سوگند، اگر آن را در بیت‌المال مسلمانان حاضر نسازی، این شمشیر را چنان بر تو فرود آورم که هر چه خواست، از تو بازستاند.» (تمیمی مغربی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۶)

امام علی (علیه‌السلام)، در جای دیگر به فرمانروای مصر مالک دستور می‌دهد که با این پدیده شوم نفرت‌انگیز با قاطعیت مبارزه کند و خیانتکاران را به سزای اعمال زشتشان برساند:

«ای مالک! از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن! اگر یکی از آنان دست به خیانت یازید و گزارش بازرسانت آن را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کن و او را با تازیانه کیفر نما و از آنچه در اختیار دارد او را عزل کن و در جایگاه خواریش بنشان، و داغ خیانت بر چهره‌اش بگذار و قلاده ننگ و بدنامی به گردنش بیاویز.» (همان، نامه ۵۳)

این شدت و قاطعیت درجه آسیب‌پذیری یک نظام از خیانت را روشن می‌نماید. نظام‌هایی که به خیانت کارگزاران خود رسیدگی نکنند، سرانجام قطعی آنان شکست می‌باشد.

### د: زیر پا گذاشتن حدود الهی

از دیگر آسیب‌ها و آفت‌های کارگزاران نظام اسلامی از بعد مدیریتی و حقوقی، سازش‌کاری یا زیر پا گذاشتن حدود الهی است که این امر باعث ناامنی و نارضایتی مردم خواهد شد. بخصوص سازش‌کاری با اجانب و مفسدان اقتصادی و عدم اجرای حدود الهی توسط کارگزاران نظام مانند وزارت خارجه و قوه قضائیه می‌تواند باعث تشدید ظلم و ستم و عدم تحقق عدالت اجتماعی گردد.





از جمله نقاط ضعف دستگاه‌های اجرایی، کم‌کاری و انجام ندادن کارهای اولیه و حیاتی در حوزه وظایف تعیین شده می‌باشد.

مقام معظم رهبری در زمینه رعایت حدود الهی می‌فرماید: "من به شما - در هر شأنی که هستید - نصیحتی عرض می‌کنم. البته این نصیحت، در درجه اول، به خود من متوجه است و آن، حفظ حدود الهی است. اصل قضیه، این است. بعد از ایمان آوردن به اسلام، آنچه که مطرح می‌شود، حفظ خط‌کشی‌های اسلام است. و من یتعدّ حدود الله فاولئك هم الظالمون. تعدی از حدود الهی، جایز نیست. اسلام و خط‌کشی‌ها را دقیق معین کرده است. اگر کسی هم فکر کند که اسلام خط‌کشی نکرده است، باید خودش را ملامت کند و برود معلوماتش را زیاد نماید. حکومت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، آن وقتی سربلند است که بتواند حدود الهی را حفظ کند." (بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب

اسلامی، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰ ۲۴۰۰ / <https://khl.ink/f/2400>)

تعبیر "تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ" در چندین مورد از آیات قرآن مجید آمده است، و همه آن‌ها بعد از بیان يك سلسله از احکام و مقررات اجتماعی است، (بقره(۲)، آیات ۱۸۷، ۲۲۹، ۲۳۰؛ مجادله(۵۸)، آیه ۴؛ طلاق(۶۵)، آیه ۱۰ و... در تمام این موارد احکام و قوانینی وجود دارد، که تجاوز از آن‌ها ممنوع است، و به همین جهت به عنوان مرز الهی شناخته شده‌اند.

در سوره نساء خداوند متعال در مذمت کسانی که از حدود و مرزهای الهی تجاوز می‌کنند می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ» (نساء/ ۱۴)؛ و هر کس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز نماید، وی را در آتشی درآورد که همواره در آن خواهد بود و برای او عذابی خفت‌آور است."

آنچه قابل توجه است اینکه تنها معصیت خداوند (هرچند گناه کبیره باشد) موجب خلود و عذاب جاودانی، نیست، بنابراین منظور از آیه فوق، کسانی هستند که از روی طغیان و سرکشی و دشمنی و انکار آیات الهی، حکم خدا را زیر پا می‌گذارند، و در حقیقت ایمان به خدا و روز بازپسین ندارند، و با توجه به اینکه "حدود" جمع است، و تمام قوانین الهی را شامل می‌شود، این معنی بعید به نظر نمی‌رسد، زیرا کسی که تمام قوانین الهی را بشکنند، معمولاً، به خدا ایمان



ندارد، و الا گوشه‌ای از آن را لااقل محترم می‌شمرد. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱ ش، ج ۳، ص ۳۰۲)

از مسائلی که باعث بدبختی انسان می‌گردد، بی‌توجهی به حدود الهی و تضییع آن است. امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «لَا يَسْعُدُ أَحَدٌ إِلَّا بِإِقَامَةِ حُدُودِ اللَّهِ وَلَا يَشْقَى أَحَدٌ إِلَّا بِإِضَاعَتِهَا» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۷۸۸).

امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) کوتاهی زمامداران در انجام مسؤلیت و پرداختن به کارهای فرعی و غیرمرتبط با مسؤلیت را یکی دیگر از عوامل آسیب‌پذیری نظام و حکومت و سبب ناامن شدن مرزها، سلب امنیت از شهرها، ناراضی شدن رهبر از کارگزاران و نشانه بی‌کفایتی برمی‌شمارند. امام در نامه خویش به «کمیل»، والی «هیت»، اقدام او را در حمله به «قرقیسا» و سنسجیده رها ساختن حوزه مأموریتش، سرزنش نموده و بیان می‌کند:

«ای کمیل! اقدام تو به جنگ با مردم قرقیسا در مقابل رها کردن پاسداری از مرزهایی که تو را بر آن گمارده بودیم و کسی در آن جا نیست تا آن را حفظ کند، و سپاه دشمن را دور سازد، اندیشه‌ای است باطل...». (الشریف الرضی، بی‌تا، نامه ۶۱)

هم‌چنین حضرت در نامه‌ای به «منذر بن جارود» چنین می‌نویسد:

"به من خبر رسیده است که کارهای بسیاری را بر زمین می‌گذاری و به سرگرمی و تفریح و صید بیرون می‌روی و در ثروت خداوند، نسبت به بادیه‌نشینان قبیله‌ات گشاده‌دستی می‌کنی، گویا میراث پدر و مادر توست...". (همان، نامه ۷۱)

حضرت او را عزل نمود و به زندان افکند و از وی، سی هزار درهم نیز غرامت گرفت. (ابن

وهب، بی‌تا، ج ۲، صص ۲۰۴-۲۰۳)

امام (علیه‌السلام) زمانی که مالک را به فرماندهی منصوب کرد، او را چنین ستود و معرفی کرد: «مالک شخصیتی می‌باشد که ترس سستی و لغزش بر او نمی‌رود. گندی نمی‌کند آنجا که

شتاب باید، و شتاب نمی‌گیرد آنجا که گندی شاید». (ابن مزاحم، بی‌تا، ص ۹۵)

همچنان امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) به مالک، تأکید می‌نماید که: «ای مالک! مبادا در کاری

که وقت آن نرسیده است، شتاب کنی یا در کاری که وقت آن رسیده است سستی ورزی...



بکوش هر کار را در جای خود و زمان مخصوص به خود انجام دهی». (الشریف الرضی، بی تا، نامه ۵۳)

### هـ: فراموش کردن محرومان و مستضعفان

از دیگر آسیب‌ها و آفت‌های کارگزاران نظام اسلامی در بعد مدیریتی و حقوقی، فراموش کردن محرومان و مستضعفان است؛ «در نظام اسلامی، رفع فقر و محرومیت، در شمار هدف‌های طراز اول است و پایبندی به اصول انقلاب، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی معنی و ادعایی پوچ است.» (پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۰/۳/۱۳۶۹)، ([https:// khl.ink/f/۲۳۱۶](https://khl.ink/f/۲۳۱۶)) از جمله مطالبات و انتظارات رهبر معظم انقلاب از کارگزاران و مسئولان نظام اسلامی رفع فقر و محرومیت از جامعه اسلامی است، معظم له در این زمینه در بیاناتی فرمودند:

«مهم‌ترین مسئله دستگاه ما و نظام جمهوری اسلامی کوشش برای رفع فقر و محرومیت در جامعه، و حمایت و کمک به طبقات مستضعف و محروم است. واقعاً باید صحت برنامه‌ها را به این سنجید و دنبال این قضیه رفت و کارهای دیگر را در اولویت‌های بعد قرار داد. کارهای مربوط به طبقات محروم و مستضعفان جامعه - که تعدادشان هم زیاد است - حقاً و انصافاً یک حرکت اساسی را می‌طلبد.» (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، به مناسبت گرامیداشت هفته دولت ۳/۰۶/۱۳۷۰، [https:// khl.ink/f/۲۴۸۵](https://khl.ink/f/۲۴۸۵))

در بیانات دیگری معظم له چنین فرموده‌اند:

«در کشور ما، مثل خیلی جاهای دیگر، قشر محروم و فقیر و پابرهنگان و روستاییان و طبقات مستضعف، بیشتر مظلوم واقع شدند. در حق آن‌ها، احتمال مظلومیت قوی‌تر است، تا فلان آدم پولدار زمیندار وسیع الامکان. به درد و تظلم همه باید رسید؛ اما به آن کس که در او، احتمال مظلومیت بیشتر است - قشرهای مظلوم و پایین جامعه - دلسوزانه‌تر باید رسید.» (بیانات در دیدار با رئیس و مسئولان قوه قضاییه ۴/۰۴/۱۳۶۹، [https:// khl.ink/f/۲۳۲۹](https://khl.ink/f/۲۳۲۹)) "در تنظیم برنامه‌های کشور، اصلی‌ترین مسئله عبارت است از رفع فقر و محرومیت و نجات طبقات مستضعف و محروم و پابرهنگان؛ که از تبعات دوران ستم‌شاهی و آثار سلطه بیگانگان است. همه



برنامه‌های اقتصادی و تولیدی و سازندگی و رونق اقتصادی، باید به این هدف متوجه باشد و تنها در این صورت است که این برنامه‌ها، درست و قابل قبول است." (پیام به مناسبت افتتاح چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی ۷/۰۳/۱۳۷۱، <https://khl.ink/f/۲۶۲۰>)  
در بیاناتی رهبر انقلاب خدمت‌رسانی به مردم را کار اصلی مسئولان دولتی و آن را به عنوان وظیفه سنگین ایشان برشمردند:

«وظیفه سنگین در باب خدمت‌رسانی عمدتاً متوجه به مسئولان دولتی است. خدمت‌رسانی به مردم کار اصلی ماست و بیشترین کسانی که خدمت باید متوجه آن‌ها شود، طبقه محروم و مظلوم و مستضعف جامعه‌اند که محتاج خدمتند. ما باید این خدمت را به آن‌ها برسانیم و خدمت‌رسانی را تسهیل کنیم. این، خود یک قدم بزرگ در راه ایجاد عدالت اجتماعی است. امروز دیگر کوتاهی‌ها و تکاسل‌ها و وقت مفید اداری را به یک ساعت یا کمتر یا اندکی بیشتر رساندن، قابل تحمل نیست؛ این‌ها باید درست شود. البته مجاهدت و تلاش لازم است.» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۸/۰۶/۱۳۸۴، <https://khl.ink/f/>)

هر چه انسان به مردم، به ویژه به محرومان، بیشتر خدمت‌رسانی کند، به دوستی خدا نزدیک‌تر می‌شود. در حدیثی قدسی، آمده است: "یا أحمد! مَحَبَّتِي مَحَبَّةُ الْفُقَرَاءِ؛ ای احمد! دوستی من، دوست داشتنِ تهی‌دستان است." (دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۲۰۱)

بیشترین سفارش‌های و توصیه‌های حضرت علی (علیه‌السلام) به کارگزاران خود در باره رعایت حقوق طبقات پایین و اقشار محروم جامعه بوده است. وصیت علی (علیه‌السلام) به مالک در باره طبقه فروتر جامعه از حیث منزلت اجتماعی و اقتصادی چنین است:

«ثُمَّ الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ أَهْلِ الْحَاجَةِ وَالْمَسْكِنَةِ الَّذِينَ يَحِقُّ رِفْدُهُمْ وَمَعُونَتُهُمْ»؛ (الشریف الرضی، بی‌تا، نامه ۵۳) «سپس طبقه اهل حاجت و مسکنت‌اند، که لازم است عطایا و اعانت و یاری ایشان».

همچنین در نامه‌اش به قثم بن عباس چنین نوشتند: "در آنچه از اموال خدا نزد تو گرد آمده است، بنگر. پس آن‌ها را در اختیار عایله‌مندان و گرسنگان، که نزدیک تواند، قرار ده [و تلاش



کن] که به دست نیازمندان و تهی‌دستان برسد، و آنچه باقی ماند، به سوی ما بفرست تا در میان آن‌ها که نزد مایند، قسمت کنیم." (همان، نامه ۶۷)

## و: قانون شکنی

از دیگر آسیب‌ها و آفت‌های کارگزاران نظام اسلامی در بعد مدیریتی و حقوقی، قانون شکنی است. کارگزار نظام اسلامی باید قانون‌پذیر باشد. رهبر انقلاب در بیانات خود فرموده‌اند:

"من می‌خواهم به شما عنوان مسئولین مجریه کشور سفارش اکید بکنم که به قانون اهمیت بدهید. اگر چنانچه ما اینجا قانون را در مسئله‌ای خاص شکستیم و عمل نکردیم، صرفاً این نیست که یک قانون نقض شده باشد؛ بلکه معنایش این است که یک راهی، یک خطی باز شد که این خط، دنباله خواهد داشت. کار قانون شکنی این جور است. اینجا که قانون نقض شد، نقض قانون یک فرصت تازه‌ای پیدا کرد که به وسیله دیگران انجام بگیرد. لذاست که به مسئله قانون، خیلی اهمیت بدهید." (بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت در تاریخ ۱۳۸۸/۰۶/۱۶، <https://khl.ink/f/۸۰۱۹>) "اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد." (بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا در تاریخ ۱۳۸۸/۰۱/۰۱)

(<https://khl.ink/f/۶۰۸۲>)

معظم له پیرامون خشونت قانونی در بیانات دیگری فرمودند: "اسلام در باره مسئله خشونت نظر روشن و واضحی دارد. اسلام استفاده از خشونت را اصل قرار نداد؛ اما در مواردی که خشونت قانونی باشد، آن را نفی هم نکرده است. ما دو گونه خشونت داریم: یک خشونت قانونی است؛ یعنی قانون خشونت را اعمال می‌کند؛ می‌نویسد که اگر فلان کس این کار را کرد، او را به زندان ببرند. این خشونت است، اما این خشونت بد نیست. این خشونت در برابر تجاوز به حقوق انسان‌هاست. این خشونت در مقابل آدم بی‌قانون است. این خشونت در مقابل متجاوز است. اگر در مقابل متجاوز خشونت اعمال نشود، تجاوز در جامعه زیاد خواهد شد. اینجا خشونت لازم است. یک خشونت هم خشونت غیرقانونی است. مثلاً یک نفر بیجا،



خودسر، خودرأی، بر طبق میل خود، برخلاف قانون و برخلاف دستور، نسبت به کسی اعمال خشونت می‌کند؛ یک سیلی به گوش کسی می‌زند. آیا این خوب است یا بد است؟ معلوم است که این بد است. در این شکی نیست." (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران در تاریخ <https://khl.ink/f/۳۰۰۲،۲۶/۰۱/۱۳۷۹>)

هرچند وجود قانون در همه جوامع از ضروریات زندگی بشر محسوب می‌گردد، اما مهم‌تر از آن عمل به قوانین و پایبندی به آن‌ها می‌باشد؛ در بسیاری از جوامع، عادلانه‌ترین قوانین، تدوین می‌گردد، اما در اجرا برخی از مجریان و کارگزاران، صاحبان ثروت و قدرت قوانین را می‌شکنند. جامعه‌ای قانونمند و قانون‌گرا می‌باشد که همه مردم، به ویژه مدیران حکومتی و کارگزاران آن به قوانین احترام گذارده و حریم مقدس قوانین را حفظ نمایند. در حقیقت کارگزاران هر نظامی به شکلی مجریان قوانین آن نظام می‌باشند. از این رو لازم است، کارگزاران او قانونمندترین انسان‌ها باشند.

ظلم اجتماعی، رعایت نکردن جایگاه واقعی حقوق مردم و تخلف از قوانینی است که تأمین‌کننده نیازهای واقعی جامعه‌اند. کسی که به حق دیگری تجاوز می‌کند، جایگاه واقعی آن را رعایت نکرده و از قانون نظام جامعه تخلف نموده است و بدین ترتیب، مرتکب ظلم اجتماعی شده است. در یک جامعه اسلامی قانون ریشه در قرآن و سنت داشته و سیستم قانون‌گذاری جامعه اسلامی، با ساختار حکومت و سیستم قانون‌گذاری جامعه غیر اسلامی؛ متفاوت می‌باشد. از این جهت قانونمندی در جامعه اسلامی، با قانونمندی جامعه غیردینی نیز تفاوت دارد. که این مقاله در صدد تبیین آن نمی‌باشد.

در حوزه اندیشه تشیع، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه (علیهم‌السلام) قانونمندترین انسان‌ها بودند. به دلیل اینکه آن‌ها همیشه حافظ، مجری و عامل به قوانین اسلامی بودند. امام راحل (رحمة‌الله‌علیه) در مورد اهمیت قانون‌گرایی فرمودند:

"... اسلام برای برقراری قانون آمده است و پیغمبر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام تمام برای قانون خاضع بوده‌اند و تسلیم قانون بوده‌اند ...". (امام خمینی ره، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۴، ص



از این رو می‌توان گفت که یکی از ویژگی‌های مهم کارگزاران، قانون‌گرایی است. کارگزاران می‌بایست قانون‌پذیرترین انسان‌ها باشند. قانون‌پذیری کارگزاران نقش بنیادی در گرایش توده مردم به قانون‌گرایی دارد. همچنین قانون‌شکنی کارگزاران نقش اساسی در گرایش مردم به قانون‌شکنی دارد. چنانکه در خصوص تأثیرپذیری مردم از کارگزاران، در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز به آن اشاره شده است: «الْتَأَسُّ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۰۸)

قرآن کریم نیز به این مسئله اشاره دارد، آنجا که می‌فرماید:

«وَبَرُّوْا لِلّٰهِ جَمِیْعًا فَقَالَ الضُّعْفَاءُ لِلَّذِیْنَ اسْتَكْبَرُوْا اِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ اَنْتُمْ مُّغْنُوْنَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللّٰهِ مِنْ شَیْءٍ قَالُوْا لَوْ هَدَاَنَا اللّٰهُ لَهَدٰیناكُمْ سَوَاءٌ عَلٰینا اَمْ جَزِعْنَا اَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِیصٍ» (ابراهیم/ ۲۱)؛ (در قیامت)، همه آن‌ها در برابر خدا ظاهر می‌شوند در این هنگام، ضعفا [دنباله‌روان نادان] به مستکبران (و رهبران گمراه) می‌گویند: «ما پیروان شما بودیم! آیا (اکنون که به خاطر پیروی از شما گرفتار مجازات الهی شده‌ایم)، شما حاضرید سهمی از عذاب الهی را بپذیرید و از ما بردارید؟...».

همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: «وَ اِذْ یَتَحٰجُّوْنَ فِی النَّارِ فِیَقُوْلُ الضُّعْفَاءُ لِلَّذِیْنَ اسْتَكْبَرُوْا اِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ اَنْتُمْ مُّغْنُوْنَ عَنَّا نَصِیْبًا مِنَ النَّارِ» (غافر/ ۴۷)؛ به خاطر بیاور هنگامی را که در آتش دوزخ با هم محاجّه می‌کنند ضعیفان به مستکبران می‌گویند: «ما پیرو شما بودیم، آیا شما (امروز) سهمی از آتش را بجای ما پذیرا می‌شوید...؟!»

منظور از «ضعفا» کسانی هستند که آگاهی و دانش کافی و استقلال فکری نداشتند، چشم و گوش بسته به دنبال سردمداران کفر حرکت می‌کردند؛ یعنی پیروان نادانی که با تقلید کورکورانه، خود را به وادی ضلالت افکندند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱ ش، ج ۲۰، ص ۱۲۳)

### ز: انحصارطلبی (ویژه‌خواری)

از دیگر آفات و آسیب‌هایی که یک کارگزار با توجه به مسند و موقعیت شغلی خویش که ممکن است با آن مواجه شود اختصاص امتیاز ویژه برای خود یا دوستان و هم‌حزبی‌های خود



می‌باشد در این زمینه رهبر معظم انقلاب با تکیه بر کلمات حضرت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

«... سر دیگر قضیه مردم‌سالاری این است که حالا بعد از آن‌که من و شما را انتخاب کردند، ما در قبال آن‌ها وظایف جدی و حقیقی داریم...» انصف الله و انصف الناس من نفسك و من خاصة اهلك و من لك فيه هوى من رعيتك؛ (الشريف الرضى، بی‌تا، نامه ۵۳) یعنی در باره خودت، در باره دوستان و خویشاوندان و رفقای خودت، رعایت انصاف را در قبال مردم و خدا بکن؛ یعنی اختصاص و امتیاز به آن‌ها نده؛ یعنی همین چیزی که دوستان عزیز فرنگی مآب ما به آن «رانت‌خواری» می‌گویند؛ یعنی امتیاز ویژه. امکانات استفاده از یک شرکت و یک منبع مالی را در اختیار جمع خاصی قرار دادن، به مناسبت این‌که این‌ها دوست یا خویشاوند یا رفیق ما هستند. این کار جزو کارهای ضد مردم‌سالاری است. هر کس که این کارها را بکند، فسادی ایجاد خواهد شد. «و لیکن احب الامور الیک اوسطها فی الحق و اعمها فی العدل و اجمعها لرضی الرعیة»؛ (همان) دنبال کارهایی باش که از افراط و تفریط دور باشد و عدالت را در سطح وسیع‌تری شامل حال مردم کند؛ یعنی سطح تماسش با مردم و منافع آن‌ها هرچه وسیع‌تر باشد و رضایت و خشنودی عامه و توده‌های مردم را بیشتر جلب کند. بعد می‌فرماید: «فانّ سخط العامة یجحف برضی الخاصة»؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۲۸) اگر دل صاحبان ثروت و قدرت را به دست آوردید و مردم را ناراضی کردید، نارضایتی مردم این گروه‌های خشنود شده خواص - یعنی صاحبان ثروت و قدرت - را مثل سیلابی خواهد برد. «و انّ سخط الخاصة یغتفر مع رضی العامة»؛ (همان، ص ۱۲۷) اما اگر رعایت میل دل صاحبان ثروت و قدرت را نکردید، از شما ناراضی می‌شوند؛ بگذار ناراضی شوند. وقتی مردم از شما راضی‌اند و برای آن‌ها کار کردید، بگذار این‌ها ناراضی باشند. «یغتفر»؛ این نارضایتی بخشوده است.» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۹/۱۲، <https://khl.ink/f/۳۰۳۹>)

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در سخنرانی خویش به هنگامی که او را بر تقسیم برابر فیء، سرزنش کردند، چنین فرمود: "در این فیء، هیچ‌کس را بر دیگری امتیازی نیست. خداوند عز و





جل خود، آن را قسمت فرموده است؛ چرا که این مال، متعلق به خداست و شما هم بندگان مسلمان خداوند هستید، و این هم کتاب خدا که آن را پذیرفته‌ایم و بر آن، گواهی داده‌ایم و در برابرش گردن نهاده‌ایم. سفارش پیامبرمان نیز در میان ماست. پس، خدایتان رحمت کند! تسلیم باشید. و هر که این شیوه را نمی‌پسندد، هر کجا می‌خواهد، برود!" (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۸۵)

امام حسین علیه‌السلام، در نامه‌ای به مردم کوفه چنین نگاشتند: "شما می‌دانید که اینان، به پیروی از شیطان درآمده‌اند و از فرمان‌بری خدای مهربان، روی برتافته‌اند و آشکارا تباهی می‌کنند و حدود [الهی] را فرو نهاده‌اند و فی‌ء را به انحصار خویش درآورده‌اند و حرام خدا را حلال و حلال او را حرام کرده‌اند. و من به این کار (اداره جامعه) سزاوارتر از دیگرانم." (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۴، ص ۳۸۲)

### نتیجه‌گیری:

۱- مواردی همچون؛ "ضعف مدیریت"، "انحراف از حق"، "خیانت"، "زیر پا گذاشتن حدود الهی"، "فراموش کردن محرومان و مستضعفان"، "قانون شکنی" و "انحصارطلبی (ویژه‌خواری) از دیدگاه مقام معظم رهبری از مهم‌ترین آسیب‌ها و آفاتی است که ممکن است یک کارگزار نظام اسلامی در بعد مدیریتی و حقوقی، به آن مبتلا گردد و هر کدام از این موارد می‌تواند موجب آسیب‌پذیری نظام اسلامی گردد.

۲- ضعف ایمان و شهوت از جمله عوامل سوق‌دهنده یک کارگزار به سمت انحراف از حق است، خیانت باعث نفوذ دشمن در امت اسلامی خواهد شد و ضربه‌های جبران‌ناپذیری به پیکره نظام اسلامی خواهد زد، زیر پا گذاشتن حدود الهی باعث ناامنی و نارضایتی مردم خواهد شد.

۳- در نظام اسلامی، رفع فقر و محرومیت، در شمار هدف‌های طراز اول است و پایبندی به اصول انقلاب، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی‌معنی و ادعایی پوچ است.



۴- در بررسی‌های صورت گرفته مشخص گردید مطالبات و انتظارات مقام معظم رهبری از مسئولان و کارگزاران نظام مستند به آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام می‌باشد.



## منابع :

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۲. نهج البلاغه، الشریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، تهران، پیام آزادی، بی تا.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۵ ق.
۴. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید بن محمد، شرح نهج البلاغه، چاپ دوم، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۷ هـ ق.
۵. ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.
۷. ابن وهب بن واضح، احمد بن ابی یعقوب بن جعفر، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، بیروت: دار صادر، بی تا.
۸. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، مصر: مطبعة مصطفی البانی، ۱۳۵۵ هـ ش، ج ۴، ص ۴۰۴.
۹. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ هـ ق.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، چاپ اول، بیروت: دارالضواء، ۱۴۱۴ هـ ق، ص ۳۹۶.
۱۲. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی) - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۲ ق.



۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار الشامیة - لبنان - بیروت، چاپ: ۱، ۱۴۱۲ ه.ق.
۱۴. رحیق غصان، علی، دانش نامه در علم سیاست، تهران: فرهنگ صبا، ۱۳۸۴ ه.ش.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ: ۵، ۱۳۷۴ ه.ش.
۱۶. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، چاپ: ششم، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب اسلامیة، ۱۳۷۱ ه.ش.
۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد، دانش نامه عقاید اسلامی، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر - قم - ایران، چاپ: ۲، ۱۳۸۶ ه.ش.
۲۰. .... دانشنامه قرآن و حدیث، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر - قم - ایران، چاپ: ۲، ۱۳۹۱ ه.ش.
۲۱. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۰ ه.ش.
۲۲. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ه.ش.
۲۳. نوائی، علی اکبر، «تصویری از کارگزاران در نظام اسلامی و بایدهای اخلاقی»، اندیشه حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ۱۳۸۲ ه.ش، صص ۸۷-۱۱۱.
۲۴. واعظی، احمد، جامعه دینی جامعه مدنی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۷ ه.ش.
۲۵. پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت اله العظمی خامنه‌ای

<https://farsi.khamenei.ir>



## Bibliography

- *Quran Karim (The Holy Quran)*, Translated by Mohammad Mehdi Fooladvand, Tehran: Daftar Motale'at-e Tarikh va Ma'aref-e Eslami (Office of Islamic History and Sciences), ۱۴۱۸ AH (۱۹۹۷ CE).
- *Nahj al-Balagha (The Peak of Eloquence)*, Compiled by Sharif al-Radi, Translated by Hoesin Ansarian, Tehran: Payam Azadi, n.d.
- ۱. Ahmad bin Yahya Baladhuri, *Ansab al-Ashraf (The Genealogy of the Nobles)*, Beirut: Dar al-Fikr, ۱۴۱۷ AH (۱۹۹۶ CE).
- ۲. Daylami, Hasan bin Mohammad, *Irshad al-Qulub ila al-Sawab (Guidance of Hearts Towards Righteousness by Daylami)*, Qom: ۱st Edition, ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۱ CE).
- ۳. Ibn Abi al-Hadid Mu'tazili, Abdul Hamid bin Mohammad, *Sharh Nahj al-Balagha (Commentary on Nahj al-Balagha)*, ۲nd Edition, Qom: Kitabkhane Ayatollah Mara'shi Najafi, ۱۳۸۷ AH (۱۹۶۷ CE).
- ۴. Ibn Abi Jumhur, Mohammad bin Zainuddin, *Awail al-Laili al-Aziziya fi al-Ahadith al-Diniya (Aziziya's Unique Aspects in Religious Narratives)*, Qom: ۱st Edition, ۱۴۰۵ AH (۱۹۸۴ CE).
- . Ibn Hisham, Abdul Malik, *Al-Seerah al-Nabawiyyah (The Prophet's Biography)*, Egypt: Mustafa Al-Babi Al-Halabi Press, ۱۳۵۵ SH (۱۹۷۶ CE), Vol. ۴, Page ۴۰۴۱.
- ۶. Ibn Sa'ad, Mohammad, *Tabaqat al-Kubra (The Classfications of the Generations)*, Edited by Mohammad Abdul Qadir Ata, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, ۱۴۱۰ AH (۱۹۹۰ CE).



۷. Ibn Shu'bah Harrani, Hasan bin Ali, *Tuhaf al-Uqul (Gifts of the Intellects)*, Qom: ۲nd Edition, ۱۴۰۴ AH / ۱۳۶۳ SH (۱۹۸۴ CE).
۸. Ibn Wahb bin Wadhah, Ahmad bin Abi Ya'qub bin Ja'far, *Tarikh Ya'qubi (Ya'qubi's History)*, Translated by Mohammad Ibrahim Ayati, Beirut: Dar Sadir, n.d.
۹. Majlisi, Mohammad Baqir bin Mohammad Taqi, *Bihar al-Anwar (The Seas of Lights)*, Beirut: ۲nd Edition, ۱۴۰۳ AH (۱۹۸۳ CE).
۱۰. Makarem Shirazi, Naser and others, *Tafsir Nameouneh (Exemporary Interpretation)*, Tehran: Dar al-Kutub Islamiyyah, ۱۳۷۱ AH (۱۹۵۱ CE).
۱۱. Mohammadi Reyshahri, Mohammad, *Danishname e Aqaid Islami (Encyclopedia of Islamic Beliefs)*, Qom, Iran: Dar al-Hadith, Organization for Publishing and Printing, ۲nd Edition, ۱۳۸۶ SH (۲۰۰۷ CE).
۱۲. Mohammadi Reyshahri, Mohammad, *Danishnameh e Quran wa Hadith (Encyclopedia of Quran and Hadith)*, Qom, Iran: Dar al-Hadith, Organization for Publishing and Printing, ۲nd Edition, ۱۳۹۱ SH (۲۰۱۲ CE).
۱۳. Mo'in, Mohammad, *Farhang Mo'in (Mo'in's Dictionary)*, Tehran: Amir Kabir Publications, ۴th Edition, ۱۳۶۰ SH (۱۹۸۱ CE).
۱۴. Mosavi Khomeini, Sayyid Ruhollah, *Sahifeh Imam (Imam's Sayings Works)*, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, ۱۳۷۸ SH (۱۹۹۹ CE).



۱۵. Nawai, Ali Akbar, "*Taswiri as Karguzaran dart Nezam Eslami wa Bayedhaye Akhlaqi (An Image of Executives in the Islamic Government and Ethical Imperatives)*", *Andeshah Hawza*, Issues ۴۳ and ۴۴, ۱۳۸۲ SH (۲۰۰۳ CE), Pages ۸۷-۱۱۱.
۱۶. *Payegah Hifz wa Nashr Athar Hazrat Ayatollah al-Udhma Khaemenei (Preservation and Dissemination of the Works of Grand Ayatollah Khamenei)* [farsi.khamenei.ir]
۱۷. Qarashi Bona'i, Ali Akbar, *Qamus al-Quran (Quranic Lexicon)*, Tehran: ۶th Edition, ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۱ CE).
۱۸. Raghīb Isfahani, Husayn bin Mohammad, *Mufradat Alfaz al-Quran (Vocabulary of Quranic Words)*, Beirut: Dar al-Shamiyah, Lebanon, ۱۴۱۲ AH (۱۹۹۱ CE), Print: ۱.
۱۹. Rāhiq Ghāshan, Ali, *Danishname e dar Ilm Siyasat (Encyclopedia in Political Science)*, Tehran: Farhang-e Saba, ۱۳۸۴ SH (۲۰۰۵ CE).
۲۰. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, *Translation of Tafsir al-Mizan*, Qom: Office of Islamic Seminary Teachers, Print: ۵, ۱۳۷۴ SH (۱۹۹۵ CE).
۲۱. Tamimi Amadi, Abdul Wahid bin Mohammad, *Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalam (Gems of Wisdom and Pearls of Speech)*, Qom: ۲nd Edition, ۱۴۱۰ AH (۱۹۸۹ CE).
۲۲. Tamimi Maghribi, Nu'man bin Mohammad, *Da'aim al-Islam (The Pillars of Islam)*, Edited by Asif bin Ali Asghar Faizi, ۱st Edition, Beirut: Dar al-Zawa, ۱۴۱۴ AH (۱۹۹۴ CE), Page ۳۹۶.



۲۳. Va'ezhi, Ahmad, *Jamieah e Dini Jamieeah e Madani (Religious Society Civil Society)*, Tehran: Institute for Cultural and Intellectual Studies, ۱۳۷۷ SH (۱۹۹۸ CE).